

قطعنامه درباره وضعیت کنونی، وظایف و تکلیفها

نظریه اینکه :

- بحران ژرف و مزمن اقتصادی که طی ده سال گذشته پیوسته ادامه داشته، با تشدید روز افزون روبروست.

- این بحران با افزایش تعداد دیکاران، تشدید و خاست وضعیت کارگران، خانه خرابی و ورشکستگی دهقانان زحمتکش و تورم افسار گسیخته، شرایط مادی زندگی توده ها را بد تغییر قابل تحملی و خیم و دشوار نموده است؛

- رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی و خصلت مذهبی اش عموم توده های مردم ایران را از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی محروم نموده و برای حفظ و بقاء حاکمیت خویش به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب، ترور و خفقان متوسل گشته و با برقراری یک دیکتاتور عربیان و عنان گسیخته این حقیقت را در برابر توده های مردم عیان و آشکارا خسته است که با وجود این رژیم هیچ میدی به کسب آزادی و دمکراسی وجود ندارد.

- این تشدید و خاست شرایط مادی و معنوی توده ها مدتها و ما بردمانه ناراضی و اعتراض افزوده و زمینه را برای تشدید بحران سیاسی به شکلی حادث و گسترده تر هموار نموده است.

- بر بستر بحران اقتصادی و سیاسی موجود تضادها و اختلافات تدریجی هیئت حاکمه مدتها و ما حادث و عمیق تر شده اند و این تضادها و اختلافات

با توجه به مرگ خمینی، بدر آینده نیز تشدید خواهد شد و بردمانه و عمق بحران سیاسی خواهد افزود، لذا چشم انداز یک بحران سیاسی بسیار ژرف، اعتلا جنبش توده ای و تشدید مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم در برابر برقرار گرفته است.

تحت چنین شرایطی طرح شعارهای مستقیما انقلابی، پیوند مطالبات روزمره با مطالبات بلند و واسطه انقلابی، متشکل ساختن توده های مردم حول برنامه حداقلی پرولتاریا و طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق اعتماد عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بمنظور برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان وظیفه ای مبرم در دستور کار قرار گرفته است.

انجام این وظایف، سازماندهی هر چه وسیعتر کارگران و زحمتکشان، تبلیغ برنامه پرولتاریا در میان وسیع ترین بخش توده های مردم و افشای و انفراند لیبرالیسم و فرمیسم را طلب می کند.

اشکال سازماندهی ما در شرایط کنونی که از یک سرکوب عنان گسیخته و سلب هرگونه آزادی حاکم است و از سوی دیگر چشم انداز اعتلای جنبش توده ای در برابر برقرار دارد، عبارت است از سازماندهی و تحکیم حوزه های مخفی حزبی در محل کار و زندگی کارگران و زحمتکشان، در کارخانه ها و محلات که توسط یک شبکه از حوزه های علنی کار، تشکلهای قانونی و علنی احاطه شده باشند.

این بدان معناست که از یک سو بخشی از

حوزه های حزبی مخفی و غیر قانونی تشکیلات بدون آنکه هویت تشکیلاتی خود را افشای سازند باید بتوانند با فعالیت علنی در تشکلهای علنی که در شرایط کنونی موجود بوده و یا امکان سازماندهی آنها وجود دارد، در نظیر مجامع عمومی کارگری، سندیکاها، تعاونی های کارخانه ها و محلات، صندوقهای مختلف، کلوبها و کانونهای ورزشی کارگری، کتابخانه ها و کانونهای فرهنگی و کلیه تشکلهای قانونی کارگری که به ابزاری سرکوب و تحقیر کارگران تبدیل نشده اند، خلاصه، استفاده از هر امکان قانونی و علنی که امکان سازماندهی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را تسهیل می نماید، نقشی فعال در امر سازماندهی ایفاء نمایند.

از سوی دیگر بخشی از حوزه های مخفی حزبی که وظایف تبلیغ و ترویج و سازماندهی را نه به شکل علنی و قانونی بلکه به شکل مخفی و غیر قانونی انجام میدهند، باید نقش فعال تری در سازماندهی کمیته های غیر حزبی مخفی کارخانه برعهده گیرند. این کمیته های کارخانه که بنا به شرایط مختلف از جمله سطح آگاهی کارگران، فشار پلیسی و غیره می توانند در برگیرنده تعداد بیشتری از کارگران باشند، بویژه از آن جهت حائز اهمیت اند که در وضعیت کنونی میتوانند با توجه به سطح مبارزه کارگران، مبارزه اقتصادی و سیاسی آنها را سازماندهی و رهبری کنند، و در عین حال قادرند در شرایط اعتلا جنبش کارگری سریعاً به کمیته های اعتصاب و سپس شوراها ارتقاء یابند.